

احتکار

نویسنده (ها) :

[سید مصطفی محقق داماد](#)

خرداد 1399

اِحْتِکَار، اصطلاحی فقهی و حقوقی، به معنای جمع‌آوری و نگهداری کالای ضروری مردم، به انتظار کمیابی و فروش آن به بهای گران. واژه احتکار از مصدر «حکَّر» به معنای ظم، سوء معاشرت (قاموس، ذیل حکر) و عُشْر (زمخسری، ۱۳۶) مشتق گردیده و حُکْره، اسم مصدر احتکار به معنای جمع‌آوری کالا و خودداری از عرضه آن است (ابن منظور، ذیل حکر).

در فقه اسلامی

فقه احتکار را به گونه‌هایی مختلف تعریف کرده‌اند. از فقیهان امامی، شیخ انصاری به پیروی از بسیاری از فقهای پیشین، موضوع را با عنوان «مسأله احتکار طعام» مطرح کرده است (ص ۲۱۲). فقهای حنفی نیز احتکار را عبارت از حبس خوراک به‌منظور گران شدن آن دانسته‌اند (بابرتی، ۸ / ۴۹۱). اما برخی از حنفیان قید «اشترای» و مدت را نیز بر تعریف آن افزوده‌اند؛ چنانکه مثلاً ابن عابدین احتکار را اشتراء (خرید) طعام و حبس آن تا ۴۰ روز به‌منظور گران شدن آن دانسته است (۵ / ۳۵۱). اکثر فقهای مالکی موضوع احتکار را وسعت بخشیده، آن را شامل تمام مواردی می‌دانند که موجب اضرار به «سوق مسلمین» باشد (نکZ ابن‌قاسم، ۹ / ۲۹۱). برخی از فقیهان شافعی علاوه بر «اشترای اقوات»، قید «در زمان گرانی» را نیز در تعریف احتکار افزوده‌اند (ابن‌حجر، ۲ / ۴۹). در فقه حنبلی، در تعریف احتکار عبارتی از احمد بن حنبل نقل شده است که در آن دو قید اشتراء طعام و اضرار آمده است (ابن‌هبیره، ۱ / ۲۳۷ - ۲۳۸).

بر پایه قول مشهور نزد فقهای امامی (عاملی، ۴ / ۱۰۷) و اجماع فقهای حنبلی. مالکی، حنفی و قول اسر فقهای شافعی (ابن قدامه، ۴ / ۳۰۶؛ ابن عابدین، همانجا؛ ابواسحاق، ۱ / ۲۹۲)، هرگاه کالای مورد احتکار به اندازه کفایت وجود نداشته باشد و موجب اضرار و اختلال در «سوق مسلمین» گردد، احتکار حکم حرمت خواهد داشت، اما در مقابل نیز گروهی از فقیهان امامی (عاملی، همانجا) و برخی از شافعیان (ابواسحاق، همانجا) به کراهت احتکار قائل شده اند .

با وجودی که در بسیاری از اخبار مربوط به احتکار، واژه های «شراء» و «اشترای» مشاهده می‌گردد، اما در مباحث فقهی منحصر نبودن احتکار به «خرید کالا» امری روشن است، چه، مدار اصلی در حرمت احتکار اختلال نظام و ایجاد عسر و حرج برای مردم است؛ چنانکه شیخ انصاری با بدیهی خواندن عدم حصر احتکار در خرید کالا، روایاتی را که عنوان شراء و اشتراء در آنها آمده است، با کمک عباراتی توضیحی در ذیل همان روایات تفسیر کرده، و نسبت به خرید کالا در احتکار «القاء خصوصیت» نموده است.

وی معیار حکم را در احتکار وجود کالا یا فقدان آن در شهر دانسته است (ص ۲۳۱).

همچنین عنوان «جمع طعام» با لحاظ اطلاق آن نزد اهل بیت لغت و نیز تعلیل به عسر و حرج که در برخی از اخبار برای حرمت احتکار وارده شده، مؤید این است که خرید کالا در تحقق احتکار جایگاه ویژه ای ندارد (همو، ۲۱۲).

فقیهانی که احتکار را حرام دانسته اند، در مجموع به ادله چهارگانه فقهی استناد جسته اند: راوندی یکی از فقهای امامی، برای تحریم احتکار، به آیه ۸۸ سوره یوسف استناد کرده است. به نظر وی کلمه «ضر» در این آیه که درباره برادران یوسف (ع) سخن می گوید، نیاز شدید آنان به خوراک را نشان می دهد (۲/ ۵۳) سخن می گوید، نیاز شدید آنان به خوراک را نشان می دهد (۲/ ۵۳)، اما مقدار سیوری در استدلال او خدشه کرده و معنای ضر را اعم از نیازمندی به خوراک دانسته است (۲/ ۴۳). برخی از فقهای حنفی، «الحاد» را در آیه ۲۵ سوره حج به معنای احتکار دانسته اند (ابن مودود، ۴/ ۱۶۰). با اینهمه، در آثار غالب فقها و به ویژه فقیهان امامی، برای حرمت احتکار به آیه ای از قرآن استناد نشده است.

درباره مستند حرمت احتکار از سنت، احادیث بسیاری در منابع روایی و فقهی نقل شده است که از آن میان می توان این روایات را برشمرد: حدیث نبوی «الجالب مرزوق و المحتکر ملعون» (نک ابن ماجه، ۲/ ۷۲۸؛ کلینی، ۵/ ۱۶۵) و حدیث نبوی «لا یحتکر (الطعام) الا خاطی» (نک او داوود، ۳/ ۲۷۱؛ ابن بابویه، ۳/ ۱۶۹؛ برای دلالت لفظ «خاطی» بر تحریم، نک کرکی، ۴/ ۴۰). علاوه بر اخبار یاد شده، می توان به حدیثی اشاره کرد که حلبی از امام صادق (ع) نقل کرده است. مبنی بر اینکه اگر طعام فراوان باشد و مردم در تنگنا قرار نگیرد، ذخیره کردن آن اشکالی ندارد، ولی در صورت کمبود کالا و سختی قرار گرفتن مردم، احتکار طعام عملی ناپسند و مکروه خواهد بود (کلینی، همانجا). فقیهانی که از عبارت «فانه یکره این یحتکر الطعام» در این حدیث استنباط حرمت نموده اند، بر آنند که فعل «یکره» به لحاظ قرائن موجود به معنای مصطلح فقهی «کراهت» نبوده، بلکه یک کاربرد لغوی و عرفی است و بنابراین بر حرمت دلالت دارد (بحرانی، ۱۸/ ۶۱؛ انصاری، همانجا؛ نیز برای روایاتی از حضرت علی (ع)، نک بهج البلاغه، نامه ۵۳؛ نوری، ۱۳/ ۲۷۴).

درباره اجماع، مقدس اردبیلی از اجماع فقیهان امامی بر حرمت احتکار در مصادیق قطعی آن سخن گفته است (۸/ ۲۳). از اهل سنت نیز شعرانی نظیر چنین اجماعی را به صراحت نقل کرده است (۲/ ۷۰).

در استناد به عقل، چنین استدلال می شود که احتکار موجب زیان مردم و اختلال در امور مسلمین می گردد و چنین عمل زیان آوری از نظر عقل ناپسند و مذموم است. سپس با اشاره به ملازمه حکم شرع و عقل چنین استنتاج می شود که احتکار از نظر شرع حرام و ممنوع است.

در مقابل، فقیهانی که به کراهت احتکار قائلند، با تکیه کردن بر اینکه مهم ترین مستند قول به حرمت، دلیل سنت است، در اینگونه روایات چه از نظر سند و چه از نظر دلالت خدشه کرده اند و خصوصاً با تمسک به روایتی که متضمن عنوان «کراهت» است و حمل کراهت بر معنای اصطلاحی مشهور آن، حرمت احتکار را مردود انگاشته اند (عاملی، ۴/ ۱۰۷).

مسأله خرید متاع به منظور احتکار و حکم چنین خریدی گاه در کتب فقهی مورد بحث قرار گرفته و قول به صحت (نک ابن مرتضی، ۴/ ۳۲۰؛ مرادوی، ۴/ ۳۳۸)، یا قول به بطلان این چنین عقدی (همانجا) مطرح گردیده است.

در محدوده روایاتی که بیانگر موارد احتکار هستند، چند کالای خاص مطرح گردیده است که عبارتند از: گندم، جو، خرما، کشمش و روغن اعم از جامد و مایع (کلینی، ۵/ ۱۶۴؛ نیز نک حر عاملی، ۱۲/ ۳۱۴-۳۱۳). البته در بسیاری از روایات، احتکار طعام به طور

کلی و بدون تعیین کالای خاصی ممنوع شده است (طوسی، تهذیب...، ۷/ ۱۶۲-۱۵۹؛ نیز نک حر عاملی، ۱۲/ ۳۱۶-۳۱۳). بر پایه همین گوناگونی در متن روایات، برخی از فقها به آنچه به صراحت نام برده شده است، اکتفا کرده و دایره شمول حکم را به دیگر مصادیق طعام تعمیم نداده اند (ابن ادریس، ۲/ ۲۳۸؛ نراقی، ۲/ ۳۲۹؛ بحرانی، همانجا؛ مقدس اردبیلی، ۸/ ۲۶). در کنار ۵ کالای یاد شده، جمع کثیری از فقها نمک را نیز افزوده اند (طوسی، المیسوط، ۲/ ۱۵۹؛ ابن حمزه، ۳۰۰؛ علامه حلی، ۲/ ۵۱۴؛ شهید اول، ۱۱۶). بین فقهای اهل سنت در این باره ۳ نظر عمده وجود دارد: حنابله معتقدند که مورد احتکار منحصر به قوت آدمیان است (مرداوی، همانجا)، حنفیان برآنند که حکم احتکار علاوه بر قوت آدمیان در خوراک دام و جانوران اهلی نیز جاری است (ابن عابدین، ۵/ ۳۱۵) و فقهای مالکی موارد احتکار را تعمیم داده اند و آن را شامل همه نیازمندیهای مردم می دانند (ابن قاسم، ۹/ ۲۹۱).

برخی از فقهای معاصر امامی جریان حکم احتکار را در همه مواد مورد نیاز غذایی بعید ندانسته اند (اصفهنی، ۲/ ۱۷؛ نیز نک حکیم، ۲/ ۱۰). برخی دیگر نیز حکم حرمت احتکار مواد خوراکی و سایر نیازمندیهای عمومی از جمله پوشاک و مسکن را با تمسک به قاعده لاضرر و نیز لاجرح، یا به اعتبار تعلیلی که در روایات مربوط به احتکار آمده است، به اثبات می رسانند (نک حائری، ۱/ ۱۹۷؛ نیز نک محقق داماد، ۵۵).

برای رفع ناسازگاری بین عموم موارد احتکار و روایات ناظر به کالاهای خاص، برخی از علمای زیدیه و نیز اهل سنت با استدلالی اصولی چنین نتیجه گرفته اند که روایات مطلق و مقید وارد شده در باب احتکار را نباید از موارد حمل مطلق بر مقید به شمار آورد (محمد بن اسماعیل، ۳/ ۸۲۵؛ شوکانی، ۵/ ۲۲۱). برای مسأله یاد شده، برخی از فقهای معاصر امامی نیز دو راه حل ارائه کرده اند: یکی آنکه نصوص ناظر بر کالاهای خاص از قبیل «قضایای خارجی» اند و نه از قبیل «قضایای حقیقیه»، به این معنی که اینگونه روایات در مقام بیان واقعیت خارجی بوده اند، نه اینکه در آنها رابطه ای ناگسستگی بین مفهوم احتکار و کالاهایی مخصوص مراد بوده باشد. بنابراین نباید مصادیق احتکار را در همه زمانها و مکانها منحصر به همان چند مورد یاد شده در روایات دانست؛ دوم آنکه می توان گفت موضوع احتکار مستقیماً با مصالح جامعه مسلمین مربوط است و بنابراین تشخیص مصادیق و نیز منع از آن از وظایف حکومت خواهد بود (حائری، ۱/ ۱۹۶).

برای کسانی که با احتکار کالاهای مورد نیاز مردم، آنان را در مضیقه قرار می دهند، تدابیری اتخاذ شده است: به نظر علمای امامی، یکی از این تدابیر وادار کردن محتکر به فروش کالا است که نه تنها در روایاتی از پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) تأیید شده (نک حر عاملی، ۱۲/ ۳۱۷)، بلکه در این مورد ادعای اجماع نیز گردیده است (ابن فهد، ۲/ ۳۷۰؛ عاملی، ۴/ ۱۰۹). نزد اهل سنت نیز این نظر مورد اتفاق مذاهب چهارگانه است (مرداوی، ۴/ ۳۳۹؛ ابن قاسم، ۴/ ۳۱۸؛ کاسانی، ۵/ ۱۲۹).

هرگاه متحکر با وجد اجبار، نسبت به فروش عادلانه کالا اقدام نکند، کالای احتکار شده نرخ گذاری یا «تسعیر» خواهد شد (مثلاً نک عاملی، همانجا). برخی از فقیهان امامی هر چند به تسعیر فتوای تصریح نداده اند، اما برآنند که حاکم باید محتکر را مجبور سازد تا قیمت را در حد متعادلی پایین آورد. شیخ انصاری در تبیین این نظر، آن را جمعی بین ادله اجبار محتکر بر فروش و ادله نهی از تسعیر، و با توجه به قاعده لاضرر شمرده است (ص ۲۱۳).

درباره مجازات محتکر، برخی از فقهای حنفی و مالکی برآنند که با اصرار ورزیدن بر احتکار، در برخی از موارد حتی حکم به تعزیر و زندانی کردن محتکر جاری می شود (مثلاً نک کاسانی، همانجا). فقهای امامی نیز بر این باورند که چگونگی تعزیر در بسیاری از

موارد به نظر حاکم شرع موکول شده است؛ این معنی در عبارتی از نامه معروف حضرت علی (ع) به مالک اشتر نیز تأیید شده است (بلاغ، نامه ۵۳).

در قوانین ایران

پیش از استقرار حکومت قانون در ایران، افکار عمومی تأثیر احکام شرع، همواره احتکار را محکوم و منفور می‌شناخت و حاکمان و والیان در مواردی که فروشندگان ارزاق، از قبیل نانویان و قصابان، به گران‌فروشی و احتکار دست می‌یازیدند، آنان را به سختی مجازات می‌کردند (مثلاً نک: نظام الملک، ۵۳).

نخستین بار که از مجازات احتکار در قوانین ایران سخن رفته، قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۷ کشور (مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۶) درباره احتکار کالای انحصاری دولت است که به موجب ماده ۱۰ آن برای محتکر، حبس تأدیبی (از ۲ ماه تا یک سال) و با تأدیة غرامت و همچنین ضبط کالای مورد احتکار به نفع دولت پیش‌بینی شده است (نک: روزنامه رسمی).

با شروع جنگ جهانی دوم، برای پیشگیری از رواج احتکار و گران‌فروشی، در ۲۵ شهریور ۱۳۱۸ قانونی در دو ماده به تصویب رسید که به موجب ماده نخست آن، دولت موظف شد تا مقرراتی را درباره کالاهای مورد احتیاج تدوین کند و در ماده ۲ آن برای محتکر مجازات حبس تأدیبی (از ۲ تا ۶ ماه) و یا جریمه‌ای نقدی تعیین شده است. بعد از شهریور ۱۳۲۰ و ورود قوای بیگانه به خاک کشور و با افزایش خطر احتکار و ضرورت حمایت بیشتر از مصرف‌کنندگان، در ۲۷ اسفند همان سال، قانون «ارجع به جلوگیری از احتکار» به تصویب رسید. از مشخصات این قانون، تقسیم کالاهای مورد احتیاج عامه به ضروری و غیرضروری است و عنوان احتکار تنها به کالاهای ضروری اطلاق شده است. با آنکه در این قانون برای پنهان کردن کالاهای غیرضروری نیز مجازات تعیین شده است، ولی قانونگذار از به کار بردن کلمه احتکار در این موارد احتراز کرده است. به موجب ماده اول این قانون «هر کس

کالاهای مورد احتیاج ضروری عامه را که زیاد از مصرف خود داشته باشد و برای جلوگیری از فروش به دولت یا مردم پنهان نماید، محکوم محسوب شده و برای دفعه اول، علاوه بر ضبط عین کالا، به حبس تأدیبی از ۳ تا ۶ ماه و کیفر نقدی معادل یک برابر قیمت کالای مزبور محکوم می‌شود و در صورت تکرار برای دفعه دوم، مرتکب، علاوه بر ضبط عین کالا، به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا یک سال و تأدیة کیفر نقدی معادل دو برابر قیمت کالای مزبور محکوم می‌گردد». به موجب ماده ۵، «هر کس کالاهای مورد احتیاج

عموم را که مطابق ماده دوم غیر ضروری اعلان شود، برای جلوگیری از فروش پنهان نماید، علاوه بر ضبط عین کالا، به کیفر نقدی معادل یک برابر قیمت کالای مزبور محکوم می‌گردد و در صورت تکرار، علاوه بر ضبط عین مال، مرتکب به کیفر نقدی معادل دو برابر قیمت کالا و به حبس تأدیبی از ۲ تا ۶ ماه محکوم می‌گردد». گفتنی است که در ماده ۶ این قانون «صدور دارو و خواربار و اقسام دامها از کشته و زنده و به طور کلی کالاهای مورد احتیاج عمومی از کشور» ممنوع شناخته شده و مجازات متخلف برای دفعه اول علاوه بر ضبط عین مال، حبس تأدیبی از یک تا ۳ سال و کیفر نقدی، و برای دفعه دوم علاوه بر ضبط عین مال، حبس مجرد از ۳ تا ۱۰ سال و کیفر نقدی شدیدتر پیش‌بینی شده است و در صورت تکرار برای دفعه سوم علاوه بر ضبط عین مال، برای مرتکب «حبس ابد یا اعدام» در نظر گرفته شده است.

از این پس تا هنگام استقرار جمهوری اسلامی در ایران، قوانین و مقرراتی درباره احتکار به تصویب رسیده که از آن جمله‌اند: قانون مجازات پیشه‌وران و فروشندگانی که کالای خود را مخفی می‌کنند، یا گران می‌فروشند (مصوب ۱۷ شهریور ۱۳۲۲)؛ بخشی از لایحه قانونی مجازات متخلفین از مقررات نظام صنفی (مصوب ۹ بهمن ۱۳۵۱) و مهم‌تر از همه قانون تنظیم توزیع کالاهای مورد احتیاج عامه و مجازات محتکران و گران‌فروشان (مصوب ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۲) که ماده نخست آن، مجازات احتکار کالاهای ضروری درجه یک را حبس جنایی درجه یک از ۳ تا ۱۵ سال و درجه دو را حبس جنایی درجه دو از ۲ تا ۱۰ سال تعیین کرده، و در

ادامه ماده چنین آمده است که «هرگاه معلوم گردد که اقدام مرتکب به قصد اخلال در امنیت و ایجاد نزلزل در اقتصاد عمومی کشور بوده، مجازات او اعدام است.»

پس از استقرار جمهوری اسلامی، در قانون نظام صنفی مصوب شورای انقلاب (۱۳ تیر ۱۳۵۹) درباره شکایات از گران‌فروشان، محتکران و کم‌فروشان، احکامی پیش‌بینی شده و در ماده ۸۲ آن چنین مقرر گردیده است: «هرگاه برای تخلفات مذکور در قانون نظام صنفی، در سایر قوانین کیفر شدیدتری مقرر شده باشد، مرتکب به کیفر اشد محکوم خواهد شد». مجلس شورای اسلامی در راستای مبارزه با گران‌فروشی و احتکار در ۲۳ فروردین ۱۳۶۷، قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان را تصویب کرده که در ماده یک آن تعریفی از احتکار و گران‌فروشی ارائه شده است. در مواد بعدی، حسب مورد مجازات‌های مختلفی در نظر گرفته شده و به موجب ماده ۶ آن چنانچه اعمال مجرمانه «به عنوان مقابله با حکومت صورت گیرد و مرتکب مصداق محارب باشد، به مجازات آن محکوم می‌شود». در همین سال مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی در ۲۳ بهمن ۱۳۶۷ قانون تعزیرات حکومتی را تصویب کرد که در آن نیز به مسأله احتکار توجه کامل شده و در ماده ۴، احتکار بدین شرح تعریف شده است: «احتکار عبارت است از نگهداری کالا به‌صورت عمده با تشخیص مرجع ذی صلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گران‌فروشی، یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه توسط دولت». در ادامه این ماده مجازات‌های مختلفی برای مرتکبان احتکار پیش‌بینی شده است.

در ۲۹ بهمن ۱۳۶۸ «قانون شمول اجرای قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در مورد ثروتهای ناشی از احتکار و گران‌فروشی و قاچاق» به تصویب رسید. به موجب ماده یک این قانون: دادگاه‌های ذی صلاح موظفند «ثروتهای محتکرین، گران‌فروشان و قاچاقچیان را مورد بررسی دقیق قرار داده و نسبت به ضبط و ثبت و اخذ ثروتهایی که برخلاف ضوابط دولت جمهوری اسلامی ایران در اثر احتکار و گران‌فروشی و قاچاق کسب گردیده، به عنوان مجازات به نفع دولت جمهوری اسلامی ایران اقدام نمایند.»

در ۱۹ آذر ۱۳۶۹ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به موجب بند ب ماده یک آن، اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران‌فروشی کلان ارزاق با سایر نیازمندیهای عمومی و احتکار عمده ارزاق با نیازمندیهای مزبور، جرم تلقی، و باتوجه به شدت و ضعف جرم، مجازات‌های سنگین‌تری نسبت به قوانین قبلی در نظر گرفته شده است. در تبصره ۴ ماده ۲ این قانون، برای مجرمان، علاوه بر مجازات‌های اصلی، حسب مورد مجازات محرومیت از خدمات دولتی، یا انفصال ابد منظور شده است و با توجه به تبصره ۵ همین ماده، مجازات‌های پیش‌بینی شده در این قانون قابل تعلیق، یا تخفیف و تقلیل نخواهد بود. به موجب تبصره ۶ ماده ۲ این قانون، رسیدگی به کلیه جرائم مذکور در آن، در صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی تشخیص داده شده است و این مراجع مکلفند که موضوع را فوراً و خارج از نوبت رسیدگی کنند.

مآخذ

ابن ادریس، محمد، *السرائر*، قم، ۱۴۱۰ ق؛ ابن بابویه، محمد، *قیه من لایحضره الفقیه*، به کوشش علی‌اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۴ ق؛ ابن حجر هیتمی، احمد، *تحفة المحتاج*، بمبئی، *مطبعة اصح المطابع*؛ ابن حمزه، محمد، *الوسیلة*، به کوشش عبدالعظیم بکاء، نجف، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م؛ ابن عابدین، محمدامین، *رد المحتار*، کلکته، ۱۲۴۳ ق؛ ابن فهید، احمد، *المهذب*، قم، ۱۴۱۱ ق؛ ابن قاسم، عبدالرحمان، *المدونة الکبری*، قاهره، ۱۳۲۳ ق؛ ابن قدامه، عبدالله، *المغنی*، بیروت، ۱۴۰۴ ق؛ ابن ماجه، محمد، *سنن*، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، ۱۹۵۳-۱۹۵۲ م؛ ابن مرتضی، احمد، *البحر الزخار*، بیروت، ۱۳۹۴ ق / ۱۹۷۵ م؛ ابن منظور، *لسان*؛ ابن مودود، عبدالله، *الاختیار*، به کوشش محمود ابودقیقه، قاهره، ۱۳۷۰ ق / ۱۹۵۱ م؛ ابن هبیره، یحیی، *الافصاح*، حلب، ۱۳۶۶ ق /

۱۹۴۷ م؛ ابواسحاق شیرازی، ابراهیم، المهذب، قاهره، ۱۹۷۱ م؛ ابوداود سجستانی، سلیمان، سنن، به کوشش محمد محیی‌الدین عبدالحمید، استانبول، ۱۹۸۱ م؛ اصفهانی، ابوالحسن، وسیلة النجاة، قم، ۱۴۰۹ ق؛ انصاری، مرتضی، المكاسب، تبریز، ۱۳۷۵ ق؛ بابرته، محمد، «شرح العناية على الهداية»، همراه فتح القدير ابن همام، قاهره، ۱۳۱۹ ق؛ بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، قم، ۱۴۰۹ ق؛ حائری، مرتضی، ابتغاء الفضيلة، قم، انتشارات طباطبایی؛ حر عاملی، محمد، وسائل الشیعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ حکیم، محسن، منهاج الصالحین، نجف، ۱۳۸۴ ق؛ راوندی، سعید، فقه القران، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۴۰۵ ق؛ روزنامه رسمی؛ زمخشری، محمود، اساس البلاغة، بیروت، ۱۹۷۹ م؛ سیوری، مقداد، کنز العرفان، تهران، ۱۳۸۵ ق؛ شعرانی، عبدالوهاب، المیزان الكبرى، بیروت، ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م؛ شوکانی، محمد، نیل الاوطار، قاهره، دار الحديث؛ شهید اول، محمد، اللعة الدمشقية، قم، ۱۴۰۶ ق؛ طوسی، محمد، تهذیب الاحکام، تهران، دارکتب الاسلامیة؛ همو، المبسوط، به کوشش محمدتقی کشفی، تهران، ۱۳۷۸ ق؛ عاملی، محمدجواد، مفتاح الكرامة، قم، مؤسسة آل البيت؛ علامه حلی، حسن، نهاية الاحکام، به کوشش مهدی رجایی، قم، ۱۴۱۰ ق؛ قاموس؛ قرآن مجید؛ کاسانی، ابوبکر، بدائع الصنائع، قاهره، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م؛ کرکی، علی، جامع المقاصد، قم، ۱۴۰۸ ق؛ کلینی، محمد، الکافی، بیروت، ۱۴۰۱ ق؛ محقق داماد، مصطفی، تحلیل و بررسی احتکار از نظرگاه فقه اسلام، تهران، ۱۳۶۲ ش؛ محمد بن اسماعیل امیر، سیل السلام، به کوشش محمد عبدالعزیز خولی، بیروت، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م؛ مرداوی، علی، الانصاف، به کوشش محمد حامد فقی، بیروت، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م؛ مقدس اردبیلی، احمد، مجمع الفائدة و البرهان، قم، ۱۴۱۱ ق؛ نراقی، احمد، مستند الشیعة، قم، ۱۴۰۵ ق؛ نظام‌الملک، حسن، سیاست‌نامه، به کوشش جعفر شعار، تهران، ۱۳۵۸ ش؛ نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم، ۱۴۰۸ ق؛ نهج البلاغة .